

New Media and Highlighting in International and Regional Crises; Case Study of the Qatar Diplomatic Crisis (2017-2020)

Seyyed Rouhollah Hadj Zargarbashi  Faculty member of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Milad Lotfi * Master Student of the Faculty of Regional Studies, University of Tehran

Abstract

The Qatari diplomatic crisis in 2017, which led to the four-year siege of Qatar, has been one of the most important political crises in the West Asian region in the last decade and has had many effects and consequences. The present study seeks to identify the role of new media in this crisis. The authors of this study using a descriptive-explanatory method have concluded that due to the decisive role of new media in today's world, the diplomatic crisis in Qatar is no exception to this important variable and new media including various news agencies, satellite news networks, and virtual networks have been influential as an important stimulus in the various stages of this diplomatic crisis, from the beginning, escalation to the reduction of the crisis and the beginning of reconciliation between the parties. Indeed, the new media has been one of the factors influencing the crisis, so that with the onset of the crisis and the escalation of the media war and conflict between Saudi Arabia and Qatar, relations between the parties have become acute and intensified, and on the other hand, this factor has been effective in reducing the conflict between the parties and the beginning of reconciliation, so that with the beginning of the reconciliation process, media conflict between the parties decreased and in crisis management, various news agencies, public opinion in the region and the world paved the way for the resumption of political and economic relations between Saudi Arabia and Qatar.


Keywords: New Media, Highlighting Qatar Diplomatic Crisis, Saudi Arabia, Sanctions, Qatar.

* Corresponding Author: s.m.lotfi1997@gmail.com

How to Cite: Hadj Zargarbashi, S R., Lotfi, M. (2022). New Media and Highlighting in International and Regional Crises; Case Study of the Qatar Diplomatic Crisis (2017-2020), *Journal of New Media Studies*, 7(28), 195-230.

رسانه‌های نوین و برجسته‌سازی در بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛ مطالعه موردی بحران دیپلماتیک قطر (۲۰۱۷-۲۰۲۰)

عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سید روح‌الله حاج زرگرباشی  ID

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

میلاذ لطفی  ID *

چکیده

امروزه رسانه‌های نوین عاملی مهم و مؤثر در رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی هستند. بحران دیپلماتیک قطر در سال ۲۰۱۷ میلادی که منجر به حصر چهارساله قطر شد از بحران‌های سیاسی مهم منطقه غرب آسیا در دهه اخیر بوده و آثار و پیامدهای متعددی را در بر داشته است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا نقش رسانه‌های نوین در این بحران را شناسایی کند. نگارندگان در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تبیینی به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به نقش تعیین‌کننده رسانه‌های نوین در جهان امروز، بحران دیپلماتیک قطر نیز از تأثیر این متغیر مهم مستثنا نبوده و رسانه‌های نوین اعم از خبرگزاری‌های مختلف، شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی به‌عنوان محرک مهم در مراحل مختلف این بحران دیپلماتیک، از شروع، تشدید تا کاهش بحران و آغاز مصالحه میان طرفین تأثیرگذار بوده‌اند. در واقع، رسانه‌های نوین از جمله عوامل مؤثر بر کلید خوردن بحران بوده است، به طوری که با شروع بحران و افزایش تقابل و جنگ رسانه‌ای میان عربستان سعودی و قطر؛ روابط طرف‌ها حاد و تشدید شده و از سوی دیگر همین عامل در کاهش منازعه میان طرفین و آغاز مصالحه نیز عاملی مؤثر بوده است، به گونه‌ای که با شروع فرایند مصالحه، کشمکش رسانه‌ای میان طرفین کاهش یافت و در شرایط مدیریت بحران، خبرگزاری‌های مختلف با تلطیف افکار عمومی منطقه و جهان زمینه را برای از سرگیری مجدد روابط سیاسی و اقتصادی میان عربستان سعودی و قطر را فراهم آوردند. لازم به ذکر است نقش رسانه در بحران سیاسی یادشده، به‌مثابه یک متغیر مستقل نیست؛ بلکه این مؤلفه به‌عنوان متغیری مداخله‌گر بر رویدادهای سیاسی تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: رسانه‌های نوین، برجسته‌سازی، بحران دیپلماتیک قطر، عربستان سعودی، تحریم، قطر.

* نویسنده مسئول: s.m.lotfi1997@gmail.com

مقدمه

در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ (ماه می سال ۲۰۱۷) با انتشار اظهاراتی منتسب به تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر توسط وبگاه آژانس خبرگزاری قطر (قنا) تنش دیپلماتیک میان عربستان سعودی و قطر افزایش یافت. در اظهارات منتسب به امیر قطر آمده بود که ایران کشوری مهم و قدرتمند در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام و وزنه‌ای مهم در منطقه است. این اظهارات که هم‌زمان با حضور دونالد ترامپ در عربستان سعودی بود، قطر را در یک چالش جدی قرار داد. به دنبال این روند، عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که سال‌ها قطر را متهم به همکاری با جمهوری اسلامی ایران و همچنین حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا مانند حماس می‌کردند؛ شرایط را مغتنم شمرده و با استفاده از فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، قطر و به‌خصوص امیر این کشور را آماج حملات خود قرار دادند.

در پی انتشار این اظهارات، دولت قطر تلاش کرد تا فضای ملتهب شکل گرفته در منطقه را آرام کند. به همین جهت دولت قطر ابتدا به‌وسیله شبکه‌های خبری تحت اختیار خود، شکل‌گیری چنین فضایی علیه قطر را یک بازی سیاسی معرفی کرد و انتشار اظهارات منتسب به تمیم بن حمد را یک حمله سایبری دانسته که توسط گروهی از هکران حرفه‌ای انجام شده است. با بالا گرفتن تنش‌های لفظی میان مقامات قطری و سران عرب منطقه خلیج فارس، بحران دیپلماتیک میان ایشان به اوج رسید. در اولین گام، سعودی‌ها با طرح این ادعا که قطر حامی تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه است؛ تمامی روابط سیاسی و اقتصادی خود با قطر را قطع کردند. این اقدام از سوی عربستان سعودی، این بحران دیپلماتیک را به اوج رساند و مواضع تند دیگر کشورهای عربی مورد حمایت عربستان را نیز در بر داشت. در نتیجه، کشورهای حاشیه خلیج فارس در پی اقدام عربستان سعودی مبنی بر قطع روابط سیاسی و تجاری با قطر، اقدام به قطع روابط خود با قطر کردند و به دنبال آن، دیگر کشورهای منطقه، حتی برخی از کشورهای آفریقایی هم پیمان سعودی‌ها نیز در کنار کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛ روابط خود با قطر را قطع و اقدامات

تحریمی خود علیه دولت قطر را تشدید کردند. به همین طریق، طی این بحران دیپلماتیک که حدود چهار سال به طول انجامید، عربستان به‌عنوان کشور محور در جریان تقابل با قطر، اقدامات تحریمی و حملات رسانه‌ای خود علیه این کشور را تشدید کرد و با طرح درخواست‌ها و شروطی، قطر را وادار به عقب‌نشینی از مواضعش کرد. همچنین در این مدت تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای از سوی قطر برای رفع تحریم‌ها صورت گرفت؛ اما این تلاش‌ها همواره از سوی سعودی‌ها خنثی می‌شد.

در این بین متغیرهای مهمی بر شروع، تشدید و کاهش این بحران مهم تأثیرگذار بوده است. می‌توان چنین ادعا کرد که فضای رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های نوین، نقش قابل توجهی در آغاز این بحران، تشدید و کاهش منازعه داشته‌اند. به‌طوری‌که آغاز این بحران سیاسی را سایت یک خبرگزاری کلید زد و در طول بحران، رسانه‌های خبری طرفین و خبرگزاری‌های بین‌المللی غربی (اروپایی و آمریکایی) با پوشش‌های تأثیرگذار خود، نقش مهمی را در افزایش تنش میان طرفین ایفا کردند. اهمیت رسانه در این بحران را زمانی بهتر درک می‌کنیم که متوجه می‌شویم که در میان شروط سیزده‌گانه کشورهای محاصره‌کننده قطر جهت حل و فصل منازعه، بسته شدن شبکه خبری الجزیره و سایر محدودیت‌های دیگر علیه رسانه‌های قطری از مهم‌ترین شروط بوده و در ابتکار امیر کویت نیز، کاهش تنش رسانه‌ای به‌عنوان گام اولیه اعتمادساز معرفی شد.

بر این اساس، هدف اصلی این نوشتار، شناسایی نقش رسانه بر بحران دیپلماتیک قطر از شروع این بحران از ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی تا پایان محاصره قطر و آغاز مصالحه میان طرف‌ها در چهل و یکمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۱ میلادی است. از این رو، تلاش شده تا با مطالعه موردی نقش عامل رسانه‌ای را در این بحران مورد بررسی قرار دهیم.

از آنجایی که این رویداد میان همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و تعاملات یا تعارضات این کشورها به‌عنوان کشورهای همسایه ایران بر منافع ملی و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ پژوهش حاضر با بررسی نقش

رسانه‌های نوین بر بحران دیپلماتیک مذکور و نوع تعاملات کشورهای عربی جنوب خلیج فارس در منطقه می‌تواند نقش تعاملات و تعارضات میان این کشورها را بر منافع جمهوری اسلامی ایران شناسایی کند. به این منظور تلاش شده تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که رسانه‌های نوین چه نقشی در بحران دیپلماتیک قطر از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی داشته‌اند؟ نگارندگان بر این باورند که با توجه به نقش تعیین‌کننده رسانه‌های نوین در عصر رسانه‌ای کنونی، بحران دیپلماتیک قطر نیز از تأثیر این متغیر مهم مستثنا نبوده است و این رسانه‌ها اعم از خبرگزاری‌های مختلف، شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی به‌عنوان یک عامل محرک و میانجی در مراحل مختلف این بحران از شروع، تشدید تا کاهش بحران و آغاز فرایند مصالحه طرفین تأثیرگذار بوده‌اند. البته ناگفته نماند که نقش رسانه در رویدادهای متعدد سیاسی مانند بحران سیاسی نمایانگر نقش مستقل آن نبوده؛ بلکه این مؤلفه به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر بر رویدادهای متعدد سیاسی از جمله بحران‌ها تأثیر می‌گذارد و از این حیث می‌توان نقشی ابزاری و کارکردی برای آن در طول بحران‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی قائل بود. در نتیجه می‌توان اذعان کرد که رسانه‌های نوین به‌طور خاص با تأثیر بر افکار عمومی جامعه و نخبگان سیاسی می‌تواند مراحل مختلف بحران را متأثر کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به نظریه‌های حوزه روابط بین‌الملل و علوم ارتباطات، نقش رسانه‌های نوین بر بحران‌های سیاسی بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی دیگر انکار نقش این رسانه‌ها در بحران مذکور و عدم بررسی دقیق و عمیق این موضوع می‌تواند حفره‌ای تحلیلی را در رابطه با نقش رسانه در مراحل متعدد این بحران اعم از شروع، تشدید و کاهش آن ایجاد کند. از این رو پژوهش حاضر با بررسی نقش رسانه بر یک بحران منطقه‌ای می‌تواند زمینه تحلیل و بررسی دقیق دیگر بحران‌های سیاسی را فراهم سازد.

پیشینه پژوهش

پیرامون مسئله اصلی پژوهش، ادبیات متنوعی قابل شناسایی است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

۱- دسته نخست شامل پژوهش‌هایی است که صرفاً به نقش رسانه‌ها در بحران‌های سیاسی و سیاست خارجی کشورها پرداخته‌اند. لوزیک موخنگو^۱ و جولیت ماچریا^۲ از کسانی هستند که در کتاب «تأثیر رسانه بر کشورهای در حال توسعه»^۳ به این موضوع پرداخته‌اند. موخنگو و ماچریا در این اثر مهم به این موضوع پرداخته‌اند که رسانه‌ها با انتقال مسائل اجتماعی و تأثیرات قانون‌گذاری و سیاست‌های دولت نقش پیچیده‌ای در اقتصاد سیاسی کشورهای در حال توسعه دارند. در این میان بخشی از این اثر در رابطه با نقش رسانه در کشورهای در حال توسعه است. استدلال موخنگو و ماچریا در رابطه با این موضوع این است که در طی یک بحران سیاسی، رسانه‌ها به بازیگران سیاسی تبدیل می‌شوند که خواسته و یا ناخواسته شهروندان را به استفاده از استدلال و لفاظی ترغیب می‌کنند تا از برخی مواضع سیاسی با پیامدهای واقعی در حوزه سیاسی حمایت کنند (Mukhongo & Macharia, 2016).

برایان مک نایر^۴ نیز معتقد است که در قرن بیست و یکم میلادی رسانه‌های جهانی در بحران سیاسی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. مک نایر از طریق مطالعات موردی بر روی بحران‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی مانند منازعات خاورمیانه و اوکراین، استدلال می‌کند که حوزه عمومی دیجیتال شده و جهانی شده که اکنون بازیگران سیاسی با آن روبرو هستند، فرصت‌های جدیدی برای پیشرفت اجتماعی و اصلاحات دموکراتیک ایجاد کرده است. از این رو، نقش رسانه‌های بین‌المللی در بحران‌های سیاسی را باید جدی گرفت (McNair, 2016). گادی ولفسفلد^۵ نیز از کسانی است که در رابطه با بحران‌ها و منازعات سیاسی و نقش رسانه‌ها و رقابت آن‌ها بحث کرده است. او با در نظر گرفتن تحولات مهم

-
1. Lusike Mukhongo
 2. Juliet Macharia
 3. Political Influence of the Media in Developing Countries
 4. Brian McNair
 5. Gadi Wolfsfeld

منطقه غرب آسیا در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی مانند جنگ خلیج فارس، انتفاضه فلسطین و تلاش جناح راست رژیم صهیونیستی برای به خطر انداختن صلح این رژیم با فلسطین به نقش رسانه‌های خبری و رقابت بر سر کنترل آن‌ها در منازعات سیاسی پرداخته و معتقد است که بهترین راه برای درک نقش رسانه‌های خبری در سیاست بین‌الملل، مشاهده رقابت بر سر رسانه‌های خبری به‌عنوان بخشی از یک رقابت بزرگ‌تر و قابل توجه برای اعمال کنترل سیاسی است (Wolfsfeld, 1997). وی از بین تعدادی از متغیرهای مؤثر بر بحران‌ها و منازعات سیاسی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا رقیبان قادر به کنترل برنامه‌های رسانه‌ای هستند یا خیر؟ او استدلال می‌کند که درجه کنترل مقامات سیاسی بر محیط سیاسی متغیر اصلی است که استقلال یا عدم استقلال رسانه‌های خبری در یک منازعه سیاسی را تعیین می‌کند (Wolfsfeld, 1997: 25).

۲- دسته دوم نیز شامل پژوهش‌هایی است که صرفاً به موضوع بحران محاصره قطر پرداخته و نقش عوامل مختلف را در این موضوع بررسی کرده‌اند. در این حوزه نیز عبدالرضا عالیشاهی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی: از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)» به کلیت رابطه سیاسی عربستان با قطر تا سال ۲۰۱۷ پرداخته و زمینه اختلاف و بحران قطع رابطه سیاسی عربستان و قطر را در چند عامل توجه به اخوان‌المسلمین و حمایت‌های شبکه الجزیره و رویکرد تهاجمی قطر بررسی کرده‌اند (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶). فرحان مجاهد چاک^۱ نیز در این زمینه با بررسی پژوهش‌های مختلفی که در حوزه بحران محاصره قطر صورت گرفته است به ریشه‌های اصلی این بحران پرداخته و نقش پروژه‌های بین‌المللی و ساختار خارجی در تشدید این بحران را مورد مذاقه قرار داده است و درنهایت از نقش قدرت‌های بزرگ خارج از منطقه به‌عنوان یک عامل مؤثر در بحران محاصره قطر یاد کرده است (Chak, 2020). در میان منابع عربی نیز می‌توان به دو مقاله مهم پرداخت که به موضوع بحران محاصره قطر پرداخته‌اند. دعامر هاشم عواد با توجه به تاریخچه سیاسی و اقتصادی عربستان سعودی و قطر این‌گونه

1. Farhan Mujahid Chak

نتیجه‌گیری کرده است که نقش عوامل بین‌المللی در تشدید تنش میان این دو کشور و بحران و در نتیجه عادی‌سازی روابط قطر و عربستان مهم و برجسته بوده است؛ یعنی این بحران را با تأکید بر عوامل سطح تحلیل بین‌المللی (خارجی) ارزیابی کرده است (عواد، ۲۰۲۱). محمد صلاح محمود نیز در مقاله خود به اهداف محاصره قطر از سوی عربستان سعودی پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده که سعودی‌ها سیاست انزوا را به اشکال مختلف، به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی خود برای تنبیه دیگر کشورها مورد استفاده قرار داده‌اند و بر این اساس، محمود سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال قطر را واکاوی کرده است (محمود، ۲۰۲۰).

۳- پژوهش‌های دسته سوم نیز به‌طور خاص به بحران دیپلماتیک عربستان سعودی و قطر و به‌طور خاص به محاصره قطر و نقش رسانه‌ها در این بحران پرداخته‌اند. در این زمینه نجوا الجزر^۱ با توجه به نقش مهم رسانه‌ها به‌خصوص در کشور قطر و میان جوانان قطری به این نتیجه رسیده است که رسانه‌های اجتماعی در فهم و اطلاع مخاطبان جوان قطری از بحران‌هایی که در کشور و منطقه اتفاق می‌افتد؛ نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ بنابراین رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار در دست جوانان در بحران‌ها قرار می‌گیرند (Gazzar, 2015). همچنین در این زمینه، جوزلین سیج میتچل^۲ موضوع شبکه‌های اجتماعی در کشورهای حاشیه خلیج فارس را بررسی کرده است. او در پژوهش خود از طریق مطالعه موردی بحران محاصره قطر که از ژوئن ۲۰۱۷ آغاز شده بود با استفاده از روش‌های موجود در رشته‌های علوم سیاسی، ارتباطات و مطالعات رسانه‌های دیجیتال به تجزیه و تحلیل نمونه‌های نقش زنان، مرزهای سرزمینی و جام جهانی فوتبال سال ۲۰۲۲ میلادی پرداخته و در نهایت نشان داده است که سیاسی کردن رسانه‌های اجتماعی در منطقه نشان‌دهنده شکل‌گیری یک میدان جنگ جدید برای کشورهای منطقه است و از میدان رسانه می‌توان به‌عنوان یک میدان جنگ در دوره بحران قطر یاد کرد (Mitchell, 2019).

1. Nagwa El Gazzar

2. Jocelyn Sage Mitchell

در این میان پژوهش‌های دسته نخست صرفاً به نقش رسانه بر بحران‌های سیاسی پرداخته‌اند که از این حیث، موضوع پژوهش حاضر در مقایسه با آن‌ها نوآورانه است. پژوهش‌های دسته دوم نیز صرفاً به ماهیت بحران دیپلماتیک عربستان سعودی و محاصره قطر پرداخته و نقش عوامل مهمی چون رسانه‌ها و فضای مجازی را در نظر نگرفته‌اند؛ اما در رابطه با پژوهش‌های بررسی‌شده در دسته سوم می‌توان اذعان کرد که در این پژوهش‌ها نیز نقش رسانه در بحران دیپلماتیک قطر به‌طور مشخص و به‌عنوان یک متغیر مستقل بررسی نشده و به‌عبارت‌دیگر نقش رسانه در بحران مذکور، حاشیه‌ای و ثانویه در نظر گرفته شده است. با این وجود، در پژوهش حاضر تلاش شده تا نقش تعیین‌کننده رسانه به‌عنوان یک عامل مهم و مستقل در این بحران سیاسی منطقه‌ای بر اساس یک چارچوب نظری و روشی متمایز بررسی شود. به تعبیری دیگر، در نوشتار حاضر نقش عامل رسانه و به‌طور خاص رسانه‌های نوین به‌عنوان یک مؤلفه مهم در بحران دیپلماتیک قطر در مراحل مختلف این بحران بررسی شده است.

چارچوب مفهومی

در عصر حاضر رسانه‌ها و بحران‌های سیاسی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. رسانه‌ها تحت یک شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی در بحران‌ها به‌عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده ایفای نقش می‌کنند. در شرایط بروز بحران میان دو یا چند کشور، رسانه‌ها می‌توانند طرف‌های مقابل را به‌عنوان تهدیداتی برای امنیت ملی، اقتصادی و اجتماعی یکدیگر معرفی و القاء کنند. به همین منظور در این بخش به ارائه یک مدل ترکیبی دقیق از تحلیل نقش رسانه‌ها بر افکار عمومی و تأثیر آن بر بحران‌های بین‌المللی خواهیم پرداخت.

-نظریه برجسته‌سازی

برجسته‌سازی^۱ به معنای توانایی رسانه‌های خبری در تأثیرگذاری بر اهمیت موضوعات با توجه به افکار عمومی توصیف می‌شود. برجسته‌سازی تأکید می‌کند که نقش اساسی رسانه‌های خبری، متمرکز کردن توجه عمومی بر تعداد کمی از موضوعات، خصوصاً بر

1. Agenda-setting

موضوعات کلیدی است. در واقع، شاید بتوان قبول کرد که ده‌ها موضوع و مؤلفه در جهان برای جلب توجه، باهم رقابت می‌کنند؛ اما این نکته را نباید نادیده گرفت که رسانه‌ها می‌توانند تنها تعداد انگشت‌شماری از اخبار را پوشش دهند که بیشترین ارزش خبری را دارند و از این طریق، موضوعات اصلی و تعیین‌کننده را برجسته سازند (McCombs & Reynolds, 2002: 252). «مک کامبز»^۱ و «دونالد شاو»^۲ به‌عنوان صاحبان نظریه برجسته‌سازی، با مطالعاتی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که در مقایسه برجستگی موضوعات در محتوای خبری با ادراک عمومی می‌توان میزان تأثیرگذاری رسانه بر عموم مردم را تعیین کرد. مک کامبز بر همین اساس، برجسته‌سازی را روشی معرفی می‌کند که رسانه‌ها از آن برای تأثیرگذاری بر مخاطب و ایجاد سلسله‌مراتبی از شیوع اخبار استفاده می‌کنند. در اینجا کشورهایی که قدرت سیاسی بیشتری دارند در معرض دید رسانه‌ای بیشتری قرار می‌گیرند (McCombs, 2005). در بازسازی جدید این نظریه که توسط «کرت لنگ»^۳ و «گلیدیس لنگ»^۴ انجام‌شده، برجسته‌سازی با نوعی از ایجاد دستورکار در سیاست ترکیب شده است. بر این اساس، رسانه با دو عنصر دولت و مردم، به‌گونه‌ای پیوند داده شده که هر سه مؤلفه، توأمان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. «کرت لنگ» و «گلیدیس لنگ»، این برهم‌کنش متقابل را یک فرآیند جمعی معرفی می‌کنند که «طی آن رسانه‌ها، دولت و شهروندان مشترکاً بر هم تأثیر می‌گذارند» (Baran & Davis, 2012: 294). از این رو می‌توان برجسته‌سازی را در رابطه تعاملی میان سه مؤلفه دولت، مردم و رسانه تعریف کرد که در این وضعیت، دولت با توجه به منافع و مطامع حاکمیتی خود، دستور کاری را به‌وسیله رسانه‌ها و با توجه به آنچه در افکار عمومی در جریان است انتخاب، القا و برجسته می‌کند تا به اهدافش برسد.

با توجه به دستورکار برجسته‌سازی و نقش دولت‌ها در ایجاد آن، می‌توان به نقش این سازوکار در پدیده‌های سیاسی، از جمله بحران‌های سیاسی به‌عنوان یکی از اشکال سیاست

-
1. McCombs
 2. Donald Shaw
 3. Kurt Lang
 4. Glides Lang

بین‌الملل، اشاره کرد که نقش رسانه، دولت و مردم در آن قابل‌شناسایی است. بر همین اساس برای توضیح و تبیین بحران سیاسی بین‌المللی موضوع این پژوهش و مراحل مختلف آن، با استفاده از نظریه یادشده، می‌توان از مدل تحلیلی مایکل برچر استفاده کرد.

مدل تحلیلی بحران مایکل برچر

مایکل برچر از جمله تحلیل‌گران و پژوهشگرانی است که به ماهیت بحران‌های بین‌المللی و مراحل آن پرداخته است. از نظر او هر بحران مراحل خاص خود را دارد و برای بررسی نقش متغیرهای مختلف در بحران و منازعه می‌بایست تأثیر آن متغیرها را در مراحل مختلف بحران واکاوی کرد. به‌طور خاص هر بحران، از چهار مرحله آغاز، گسترش، کاهش و تأثیر تشکیل می‌شود (برچر، ۱۳۸۲: ۲۶). بر این اساس می‌توان متغیرهای مختلف در یک بحران را بررسی کرد. به باور مایکل برچر در بررسی پدیده‌ای چون بحران در یک کشور، می‌بایست متغیرهای مستقل، وابسته و مداخله‌گر را مورد تحلیل صحیح قرار داد. به همین منظور در مراحل مذکور، بحران را می‌توان به‌عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفت که دیگر متغیرها بر مراحل آغاز، گسترش و کاهش آن تأثیر می‌گذارند (برچر، ۱۳۸۲: ۲۸). از این منظر، متغیر وابسته، خود بحران است که از تصاویر و نشانگرهای تصمیم‌گیری و محرک‌های محیطی حاصل می‌شود. از نظر عملیاتی نیز متغیر مداخله‌گر و مستقل در موضوعاتی چون تهدیدات، زمان و تشدید منازعه و ... به هم مرتبط هستند. از طرفی در فرآیند و مکانیسم بحران، متغیر مداخله‌گر در جستجو و جذب اطلاعات، ارتباط میان تصمیم‌گیرندگان و بررسی گزینه‌ها تأثیرگذار بوده و متغیر وابسته در انتخاب (تصمیم) نقش مهمی ایفا می‌کند (Brecher, 1979: 452).

در رابطه با مدلی که برچر ارائه کرده است می‌توان تأکید کرد که یافته‌های برچر از مکتب عقلانی پیروی می‌کند. وی دریافت که علیرغم تنوع شگرف در علل بحران‌ها و عوامل درگیر در آن‌ها و به‌رغم اختلافات بزرگ فرهنگی، سیاسی و تاریخی؛ سیاست‌گذاران بر اساس الگویی کاملاً مشابه واکنش نشان می‌دهند. برچر این یافته‌ها را با مفهوم «مشترک» توضیح می‌دهد و در آن استدلال می‌کند که همه دولت‌ها به دنبال بقا

بوده و همه انسان‌ها در شرایط آسیب قریب‌الوقوع به‌طور مقایسه‌ای عمل می‌کنند. یافته‌های برچر بر این موضوع استوار است که سیاست‌گذاران تقریباً بر اساس روشی که مکتب بازیگر عقلانی پیش‌بینی می‌کند پاسخ می‌دهند. برچر می‌گوید که در اثر افزایش میزان استرس، نه‌تنها تصمیم‌گیرندگان به دنبال جستجوی اطلاعات بیشتری می‌روند؛ بلکه آن‌ها از یک طیف گسترده‌تری از منابع مشورت می‌گیرند (Fischer, 1995: 438).

نقش رسانه‌های نوین در مراحل بحران‌های سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای

رسانه‌های نوین امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی هستند. منظور از رسانه‌های نوین، جدیدترین رسانه‌ها است. «مک کوایل»^۱ رسانه‌های نوین را «مجموعه متمایزی از فناوری‌های ارتباطاتی می‌داند که خصایص معینی را در کنار نو شدن، امکانات دیجیتال و در دسترس بودن وسیع برای استفاده شخصی به‌عنوان ابزارهای ارتباطاتی دارا هستند». او اشاره می‌کند که «توجه ما به‌طور مشخص بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی متمرکز است که تحت عنوان «اینترنت» مطرح هستند، به‌ویژه و بیشتر در موارد استفاده همگانی آن شامل اخبار آنلاین، آگهی‌های بازرگانی، استفاده از برنامه‌های تولیدی، استفاده از شبکه جهانی وب، جست‌وجوی اطلاعات و شکل‌های بالقوه و خاص ارتباطی» (بابایی و فهیمی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

باتوجه به نظریه برجسته‌سازی و مدل مایکل برچر از بحران‌های بین‌المللی می‌توان اذعان کرد که رسانه‌های نوین می‌توانند به‌عنوان عاملی مداخله‌گر در بحران‌ها در نظر گرفته شوند و در هر مرحله از بحران نقشی مهمی ایفا کنند. رسانه‌های جمعی خصوصاً رسانه‌های نو، دسترسی سیاست‌گذاران، مدیران و شهروندان به اطلاعات را تسهیل می‌کنند و سرعت جمع‌آوری و توزیع اطلاعات جدید را افزایش داده، نقش آن را در مدیریت بحران ارتقاء می‌بخشند. باوجوداین، رسانه‌ها می‌توانند در یک بحران، نقشی منفی داشته و دامنه آن را افزایش داده یا نقشی مثبت داشته و به حل بحران کمک کنند (Ghassabi & Zare-Farashbandi, 2015: 95). بر این اساس، دولت‌ها در بحران‌های سیاسی متعدد

1. McQuail

می‌توانند با استفاده از رسانه‌ها (به‌عنوان متغیری مداخله‌گر) به برجسته‌سازی اخبار پردازند و مراحل مختلف بحران‌های سیاسی از پیش و آغاز تا تشدید و کاهش را تحت تأثیر قرار دهند.

به همین جهت، در آغاز یک بحران، رسانه‌ها با توجه به مطامع سیاسی دولت‌های متبوع خود با برجسته‌سازی‌های متنوع می‌توانند در شکل‌دهی به باورهای مربوط به آن بحران و علل و پیامدهای آن تأثیرگذار باشند. در نتیجه می‌توان گفت که رسانه در شرایط بحران و منازعه می‌تواند از یک‌سو موجب تنش میان واحدهای سیاسی شود و از سوی دیگر به مفروضه‌های منجر به کاهش منازعه شکل دهد (Galtung, 2002: 267). به باور نظریه‌پردازان این حوزه، در آغاز هر بحران، رسانه‌ها علاوه بر عهده‌داری نقش حیاتی اطلاع‌رسانی، با برجسته‌سازی عناوین خبر می‌توانند هدایت افکار عمومی را نیز با توجه به تأثیراتش بر آرا و کنش عمومی هدایت کنند (Snider, 2006: 45). در رابطه با نقش رسانه در تشدید یا کاهش بحران، نکته مهم دیگر این است که حتی اگر رسانه‌ها به‌طور جدی به مشارکت مثبت در جلوگیری، مدیریت یا حل و فصل بحران‌های سیاسی علاقه‌مند باشند؛ ممکن است نتایج نهایی کاملاً معکوس باشند. به‌عنوان مثال، در مرحله پیشگیری، رسانه‌ها ممکن است مایل به ایجاد آگاهی در میان مردم برای علل یک منازعه و یا بحران در حال ظهور باشند. اگر رسانه‌ها آگاهی ایجاد کنند و اقدامات مؤثری برای جلوگیری از حرکت به سمت تشدید بحران انجام شود، نتیجه می‌تواند مثبت شود؛ اما اگر این پوشش باعث ایجاد نگرانی میان مردم و دولت‌ها شود؛ کارکرد رسانه، عملاً منجر به تشدید بحران می‌شود (Gilboa, 2009: 106).

در مرحله کاهش یا مدیریت بحران نیز رسانه‌ها متغیری مهم و تعیین‌کننده محسوب می‌شوند. این متغیر می‌تواند تلاش برای حل بحران را به مراتب پیچیده‌تر کند. همچنین رسانه می‌تواند تغییرات پیش‌بینی نشده یا اتفاقات و تحولات ناخواسته رقم بزند یا اینکه تغییرات محدودی ایجاد کرده یا زمینه را برای تغییرات هموار سازد. نقش آفرینی رسانه‌ها ممکن است در مسیر بحران‌زدایی و از بین بردن بحران نیز مهم باشد (Ahmadi,

2015:196)؛ بنابراین رسانه در جنبه‌های مختلف بحران، عملکرد بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد و نقش آن در مدیریت بحران بسیار حیاتی است.



شکل ۱. نقش برجسته‌سازی رسانه‌های نوین بر مراحل بحران‌های بین‌المللی (ترسیم‌شده توسط نویسندگان)

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی از نوع توصیفی-تبیینی استفاده شده است و با استفاده از روش مذکور و گردآوری اسناد، منابع کتابخانه‌ای، متون و داده‌های پایگاه‌های اطلاعاتی جمع‌آوری شده به تبیین رابطه میان متغیرهای پژوهش پرداخته‌ایم. با توجه به اینکه موضوع اصلی پژوهش در رابطه با نقش رسانه‌ها بر بحران دیپلماتیک عربستان سعودی و قطر است؛

گردآوری داده‌ها با توجه به فیش‌برداری از پوشش رسانه‌های مختلف و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خبرگزاری‌های وابسته به طرفین و وبگاه‌های خبرگزاری‌های بین‌المللی در طی بحران یادشده میسر شده است. از این‌رو، جامعه آماری این نوشتار محدود به مطالب وبسایت‌های خبری، شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و خبرگزاری‌های کشورهای درگیر در بحران از جمله قطر، عربستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و بعضاً کشورهای اروپایی و آمریکایی است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت با توجه به چارچوب مفهومی و روش ذکرشده نقش رسانه بر بحران محاصره قطر از شروع تا فروکش کردن بحران، در سه قسمت دسته‌بندی و ارزیابی شده است. از این‌رو ابتدا به نقش رسانه در پیش و آغاز بحران محاصره پرداخته شده، سپس نقش رسانه بر تشدید بحران مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به چگونگی تأثیر رسانه بر کاهش تنش و نقش آن بر پایان بحران پرداخته‌ایم.

۱. نقش رسانه در پیش و آغاز بحران

می‌توان محاصره قطر را در زمره بحران‌هایی قرارداد که عامل رسانه به صورت مستقیم بر شروع آن تأثیرگذار بوده است. پیش از بحران، شبکه‌ها، سایت‌ها و دیگر رسانه‌های وابسته به عربستان سعودی اقدام به انتشار اخباری مبنی بر نقش قطر در حمایت از گروه‌های تندرو در سوریه یا سیاست خارجی بلندپروازانه این کشور می‌کردند. در واقع نقش عامل رسانه‌ای بر بحران قطر به سال‌های قبل از شروع محاصره برمی‌گردد. عربستان از زمانی که شبکه خبری الجزیره پا به عرصه وجود گذاشت؛ آن را حامی تروریسم معرفی کرده است. پایگاه‌های خبری وابسته به عربستان در سال‌های اشغال عراق و افغانستان، الجزیره را متهم می‌کردند که این شبکه خبری پایگاه رسانه‌ای گروه القاعده است و در این سال‌ها اقدام به انتشار اخبار مربوط به القاعده و همچنین نوارهای صوتی رهبر القاعده یعنی بن‌لادن کرده است (Miles, 2006: 20). در واقع الجزیره به‌عنوان یک شبکه ماهواره‌ای مؤثر، در

سال‌های اشغال عراق و افغانستان با پوشش اخبار و برنامه‌های گفتگوی گسترده و جنجالی، سیاست و افکار عمومی جهان عرب را متحول کرد و اخبار آن با تمرکز بر منازعه فلسطین و اسرائیل، محاصره عراق توسط آمریکایی‌ها و شکست‌های بی‌شمار رژیم‌های عربی؛ ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش در این روایت‌های رسانه‌ای به دلیل درگیری در موضوعات منطقه، غالباً به‌عنوان شخصیت شرور ماجرا برجسته شده‌اند (Lynch, 2006: 51).

با شروع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا نیز رسانه به‌عنوان یک بازوی مهم اجرایی در سیاست خارجی قطر مورد توجه گرفت و خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی موقعیت منطقه‌ای قطر را تغییر داد. عوامل رسانه‌ای قطر که بودجه‌شان از طریق دولت تأمین می‌شد، به‌طور گسترده‌ای از خیزش‌های مردمی و جنبش‌های اسلامی در مصر، تونس، لیبی و سوریه حمایت می‌کردند. در این دوره، رسانه‌های یادشده در راهبردهای سیاسی قطر در منطقه تعیین‌کننده بودند و قطر از این طریق، هم بر افکار عمومی مردم منطقه و جهان تأثیر می‌گذاشت و هم اذهان نخبگان و سیاستمداران منطقه را ملتهب و متأثر می‌ساخت (ICG report, 2019: 21). همین موضوع باعث شد تا نگرش منفی کشورهای عربی نظیر عربستان و مصر نسبت به سیاست خارجی قطر تشدید شود. در این زمان قطر به‌محض آنکه دریافت که خیزش‌ها در کشورهای مصر و سوریه به‌احتمال زیاد رهبران وقت را سرنگون می‌کند، موضع عمومی‌اش -توسط پوشش شبکه خبری الجزیره- را تغییر داد و این موضوع به قطر اجازه داد تا در رابطه با موضوع خیزش‌ها یک قدم جلوتر از رقیبانش یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عربی حرکت کند (Khatib, 2013: 421-422). عوامل رسانه‌ای در این برهه باعث شدند که رقیبان منطقه‌ای قطر نسبت به پوشش‌های رسانه‌ای قطر و به‌خصوص پوشش اخبار منطقه از سوی الجزیره بدبین شوند و اقدامات متقابل را در برابر آن انجام داده و قطر را متهم به حمایت از گروه‌های تروریستی کنند. در این برهه در پاسخ به این ادعاها، قطر تلاش می‌کرد تا فضای هجوم علیه سیاست خارجی و سیاست رسانه‌اش را تلطیف کند. به‌طوری‌که امیر قطر در مصاحبه‌ای در سال

۲۰۱۴ میلادی با کریستین امان پور در «سیان‌ان» اظهار داشت که قطر بودجه تروریست‌ها را تأمین نمی‌کند و به جنگ طولانی مدت با داعش متعهد است (Al-Thani, 2014: site). از این رو مقوله فضای رسانه‌ای، پیش از شروع بحران دیپلماتیک نیز به صورت تدریجی بر روابط قطر با دیگر کشورهای عربی از جمله عربستان تأثیر می‌گذاشت. در واقع از چند ماه قبل از شروع بحران محاصره نیز رسانه‌های عربی و بین‌المللی با پوشش‌های خبری خود، زمینه را برای مقابله و رقابت میان عربستان سعودی و قطر فراهم آوردند؛ به گونه‌ای که اقدامات تحریک‌آمیز به منظور تأثیر بر افکار عمومی در ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی شدت گرفت. در این برهه به ویژه رسانه‌های آمریکایی بر شدت تنش میان قطر و عربستان افزودند و مقالات سیاسی زیادی را در مخالفت با سیاست‌های قطر منتشر کرده و قطر را به عنوان حامی تروریسم معرفی می‌کردند. سایت نشریه آمریکایی «فارین پالیسی» و «وال استریت ژورنال» از جمله مهم‌ترین رسانه‌های آمریکایی علیه حکومت قطر بودند که حملات رسانه‌ای‌شان علیه قطر هم‌زمان با سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا به خلیج فارس به بحران دامن می‌زد (العربی الجدید، ۲۰۱۷: سایت). هم‌زمان با سفر ترامپ به خلیج فارس، «فارین پالیسی» نیز با انتشار یک پست وبلاگی توسط جان هانا، قطر را به مقابله با ایالات متحده و همچنین تمایل به افراط‌گرایی متهم کرد. (Lee, 2017: site) از طرفی با گذشت سال‌ها از آغاز بحران در خلیج فارس تحقیقات سایت روزنامه انگلیسی «میلان ساندی»^۱ در اواخر سال ۲۰۱۵ میلادی نشان می‌دهد که دولت ابوظبی میلیون‌ها پوند به بنیاد روابط عمومی کوئیلر مستقر در لندن برای سازمان‌دهی عملیات رسانه‌ای در انگلیس علیه قطر و اخوان المسلمین پرداخت کرده است (العربی جدید، ۲۰۱۷: سایت). عربستان سعودی و بحرین نیز در این زمان از تاکتیک‌های مربوط به فناوری‌های پیشرفته‌تر مانند فناوری سایبری استفاده می‌کردند. به عنوان مثال بحرین افرادی را که در حین و قبل از آغاز بحران از طریق رسانه‌های اجتماعی با جامعه قطری ابراز همدردی می‌کردند را بازداشت می‌کرد. امارات متحده عربی نیز کسانی را که از طریق شبکه‌های اجتماعی از دولت قطر حمایت می‌کردند را به ۳ تا ۱۵ سال زندان و پرداخت ۵۰۰،۰۰۰ درهم جریمه نقدی محکوم

1. The Mail on Sunday

می‌کرد (Albasoos & et al, 2021: 162). این روند نشان می‌دهد که رقبای منطقه‌ای قطر از ماه‌ها قبل از شروع بحران، زمینه‌های آن را به وسیله عوامل رسانه‌ای خود فراهم آورده بودند.

نقش رسانه در شروع بحران را زمانی بهتر درک می‌توان درک کرد که ایمیل یوسف العتیبیا سفیر امارات در ایالات متحده آمریکا در می سال ۲۰۱۷ میلادی هک می‌شود. این ایمیل‌ها ارتباط بین امارات متحده عربی و بنیاد حامی اسرائیل برای دفاع از دموکراسی‌ها^۱ را افشا کرد. کشورهای عربی ادعای هک ایمیل را اقدامی توسط قطر و تحریک جوامع عربی تلقی کردند و به همین منظور اختلاف بین دو طرف افزایش یافت. در نتیجه در مقابل این روند در ۹ ژوئن همان سال، شبکه رسانه‌ای الجزیره قربانی یک حمله سایبری در سراسر سرورهای مرکزی خبری خود شد (Shahid, 2017: site) و در این برهه حملات سایبری طرفین به اوج خود رسید.

با فراهم شدن زمینه بحران میان طرف‌ها جرقه نهایی بحران نیز به وسیله انتشار اخباری منتسب به امیر قطر مبنی بر حمایت از ایران و اخوان المسلمین زده شد. در واقع، در ژوئن ۲۰۱۷ میلادی بر اساس گزارش شبکه خبری الجزیره قطر و پایگاه اطلاع‌رسانی «اف بی آی» آمریکا در قطر، در ماه مه سال ۲۰۱۷ وبسایت آژانس خبری قطر (قنا) و سایر پایگاه‌های اطلاع‌رسانی وابسته به دولت هک شدند (Aljazeera, 2017: site). دستگاه اطلاعاتی ایالات متحده ادعا کرد که دولت امارات متحده عربی در پشت پرده هک خبرگزاری قطر (قنا) قرار داشته است (Albasoos & et al, 2021: 162). در منازعه سایبری طرفین، هکرها اظهاراتی را منتسب به شیخ تمیم بن حمد، امیر قطر، بر روی صفحه رسمی خبرگزاری رسمی قطر قرار دادند. در اظهارات منتسب به حمد آل ثانی آمده بود که: «ایران یک قدرت منطقه‌ای و اسلامی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و عاقلانه نیست که در برابر آن قرار گرفت. ایران یک قدرت بزرگ در ثبات منطقه است...» (Foxnews, 2017: site). در نتیجه این امر، زمینه برای آغاز بحران فراهم شد و کشورهای عربی خلیج فارس به رهبری عربستان با انتشار و پوشش گسترده این خبر به نقل از

1. Foundation for Defense of Democracies (FDD)

خبرگزاری‌های مختلف قطری در فضای مجازی و صفحات خبرگزاری‌های خود، ابتدا به هجمه رسانه‌ای علیه قطر پرداخته و سپس زمینه تحریم قطر را فراهم آوردند (عواد، ۲۰۲۱: ۱۱۰)

بلافاصله پس‌ازاین رخداد، کشورهای عربی اقدام به تحریم و مسدودسازی خبرگزاری‌های متعدد قطر کردند. ازاین‌رو در این زمان، تقابل رسانه‌ای میان طرفین تشدید می‌شود. در این مقطع، مقامات ذیصلاح امارات متحده عربی، سایت خبرگزاری قطر (وكالة الأنباء القطري)، سایت کانال الجزیره و چندین سایت خبری و پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه‌های قطری دیگر را مسدود کردند. این اقدام امارات پس‌ازآن بود که مقامات عربستان سایت‌های شبکه ماهواره‌ای الجزیره و خبرگزاری قطر (قنا) و سایت‌های «الوطن»، «الرأيا» و «العرب»، «الشرق»، گروه رسانه‌ای «الجزیره»، مستند «الجزیره» و الجزیره انگلیسی را مسدود کردند. چند ساعت پس از اقدامات عربستان سعودی و امارات متحده عربی، مقامات بحرینی نیز کانال الجزیره را به دلیل اظهارات امیر قطر مسدود کردند. درواقع مسدود شدن سایت‌ها و صفحات مجازی از سوی عربستان سعودی، امارات و بحرین یک روز پس از اظهارات امیر قطر که توسط خبرگزاری قطر (قنا) گزارش شده بود صورت گرفت (البيان، ۲۰۱۷: سایت).

دراین میان، رسانه‌های عربستان سعودی، امارات و مصر نیز اقدام به انتشار اخباری علیه قطر و امیر این کشور کردند. در این برهه، رسانه‌های عربی به تبعیت از دولت‌هایشان اقدام به هجمه‌های رسانه‌ای علیه قطر کردند تا به لحاظ روانی، زمینه تحریم و تنبیه سیاسی-اقتصادی این کشور را فراهم آورند. بر اساس گزارش «الخليج الجديد» محتواهای منتشرشده توسط رسانه‌هایی که در کارزار علیه قطر شرکت داشتند، بیشتر نشان‌دهنده گفتمان سیاسی پادشاهی عربستان علیه قطر بوده، گفتمانی که تحت مالکیت یا نظارت مستقیم محمد بن سلمان بوده است. در امارات نیز، رسانه‌هایی که سیاست‌های قطر را نشانه گرفته بودند، تابع دستورالعمل‌های سیاسی کشور امارات بوده‌اند. در مصر نیز رسانه‌های فعال در بحران یادشده، تحت کنترل بودجه ارتش این کشور یا دولت یا عربستان قرار

داشتند. جریان مقابله با قطر در عربستان نیز به‌طور مستقیم توسط شبکه «العربیه» و سایت‌های خبری «عکاظ»، «الوطن» و «الاقتصادیه» که رسانه‌های در اختیار پادشاهی عربستان هستند؛ هدایت می‌شد (الراجحی، ۲۰۱۷: سایت). از این رو، نقش رسانه‌های یادشده به‌عنوان ابزاری مهم در دست دولت‌های رقیب و مقابل را هم نمی‌توان انکار کرد و به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد که رسانه‌های مذکور از قبل از بحران، زمینه‌ساز آن بوده‌اند.

۲. نقش رسانه در تشدید بحران و تنش میان طرف‌ها

زمانی که بحران دیپلماتیک میان قطر و کشورهای عربی خلیج فارس شدت گرفت رسانه‌های دو طرف اقدام به نشر اخباری بر ضد یکدیگر کردند. این موضوع بر افکار عمومی دو طرف بسیار تأثیرگذار بود. در این میان که محاصره هوایی و زمینی و دریایی قطر آغاز شده بود، عربستان سعودی در یک التیماتیوم ۲۴ ساعته اقدام به نشر شروط سیزده‌گانه‌ای برای رفع محاصره قطر کرد. مطابق با این شروط، رفع محاصره قطر مستلزم عملی شدن همه سیزده شرط یادشده بود. نکته مهم در رابطه با این شروط این است که ابتدا توئیتر سایت خبری «اسکای نیوز»^۱ اقدام به انتشار این شروط کرده و پس از چند ساعت نیز شبکه خبری الجزیره و چند خبرگزاری مرتبط با دولت قطر این شروط را بازنشر کردند (عبدالرحمن، ۲۰۱۷: سایت). از طرفی نکته مهم در رابطه با این شروط این است که یکی از شروط مهم جهت رفع محاصره قطر، بستن کانال ماهواره‌ای «الجزیره» توسط دولت قطر بود. (Mitchell, 2019: 204) این موضوع حکایت از مهم بودن جایگاه رسانه در روابط بین دو طرف داشت و نشان می‌دهد که رسانه ابزار مهم و تعیین‌کننده قطر در سیاست خارجی‌اش برای مقابله با سیاست‌های کشورهای رقیب از جمله عربستان در منطقه در سال‌های اخیر بوده است. به همین منظور عربستان سعودی در طی بحران مذکور همواره خواهان بسته شدن کانال‌ها و صفحات مجازی خبری قطر از جمله کانال خبری الجزیره بود. در این میان، در اوج بحران عربستان سعودی با قطر رسانه‌های آمریکایی از جمله شبکه ماهوره‌های «فاکس نیوز» قطر را به حمایت از تروریسم و ایران متهم می‌کردند و افکار

1. Sky News

عمومی مردم آمریکا از این حملات رسانه‌ای تأثیر می‌پذیرفت (Chak, 2020: 176). طبق نظرسنجی سایت «عرب نیوز»^۱ در زمان اوج بحران قطر از هر ده آمریکایی بیش از شش نفر از اقدامات الجزیره آگاهی داشته‌اند؛ اما بسیاری از آن‌ها برداشت منفی از اقدامات و پوشش‌های خبری «الجزیره» داشته و نیمی از افراد معتقد بودند که «الجزیره» تأثیر منفی بر وجهه ایالات متحده در خارج از کشور دارد. اکثر کسانی که در این مورد نظر داشتند نیز معتقد بودند که این شبکه ماهواره‌ای زمینه‌ای را برای گروه‌های تروریستی مرتبط با اسامه بن‌لادن فراهم می‌کند. (Arab News, 2017: site) از طرفی توثیت‌های دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز نشان‌دهنده سیاست آمریکا در مقابل بحران مذکور بوده و تا حدی بر تشدید بحران میان طرف‌ها افزود. ترامپ در مجموعه‌ای از توثیت‌هایش ادعا کرد که بحران دیپلماتیک خلیج فارس مهندسی شده است (BBC, 2017: site). با شروع محاصره قطر نیز، ترامپ با استفاده از پیام‌های تویترش به‌عنوان ابزاری جدید در دیپلماسی مجازی که با عنوان «تویپلماسی» شناخته شده، دست به کار شد. او در همان روز اول در صفحه تویترش اعلام کرد که «در سفر اخیر من به خاورمیانه اظهار کردم که دیگر نمی‌توان بودجه ایدئولوژی رادیکال را تأمین کرد. رهبران (عربی) به قطر اشاره کردند - ملاحظه کنید». (RealDonaldTrump, 2017: Twitter) یک ساعت و نیم بعد از انتشار این توثیت، او دوباره در توثیت اعلام کرد که «خوب است که عربستان سعودی با پادشاه [امیر قطر] دیدار کند و ۵۰ کشور در حال نتیجه گرفتن هستند. آن‌ها گفتند که در مورد تأمین بودجه افراط‌گرایی موضع سختگیرانه‌ای خواهند داشت و همه کشورها به قطر اشاره داشتند. شاید این آغاز پایان وحشت تروریسم باشد». (RealDonaldTrump, 2017: Twitter) در ۹ ژوئن نیز روزنامه «ایندپندنت»^۲ از قول ترامپ تقصیرات را به گردن قطر انداخت و محاصره را «سخت؛ اما ضروری» خواند و ضمن اینکه اظهار داشت قطر بودجه تروریسم را در سطح بسیار بالایی تأمین می‌کند؛ ایدئولوژی موجود در این کشور را به‌صورت یک ایدئولوژی افراطی توصیف کرد (Mindock, 2017: site). در نتیجه، نوع

1. Arab News
2. Independent

نگاه رسانه‌های بین‌المللی و همچنین برداشت رهبران غربی از این بحران و انعکاس آن در خبرگزاری‌های مختلف بر شدت بحران میان طرفین افزود.

از طرفی سایت‌های خبری عربی با تحریف اخبار، بر روند تشدید بحران و هجمه علیه قطر افزودند. به‌طور مثال سایت خبری سعودی «گازت»^۱ در گزارشی غیرواقعی اعلام کرد که روابط کشور موريس با قطر قطع شده و معاون نخست‌وزیر موريس با صدور بیانیه‌ای به حمایت کشورش از عربستان سعودی متعهد شده است. (SaudiGazett, 2017: site) این گزارش‌ها و دیگر اخبار مشابه، این نگرش را ایجاد کرد که علاوه بر کشورهای عربی حامی عربستان سعودی، کشورهای غیرعربی نیز در حصر و انزوای قطر با عربستان سعودی همراه شده‌اند. با این حال، معاون نخست‌وزیر موريس در مصاحبه‌ای با گروه رسانه‌ای «لی دِفی»^۲ موريس ادعا کرد که چنین ابلاغیه‌ای صادر نشده و وزارت امور خارجه این کشور نیز بیانیه‌ای را مبنی بر ادامه روابط دیپلماتیک موريس با قطر صادر کرد (الشرق، ۲۰۱۸: سایت).

موضع رژیم صهیونیستی نیز در این زمان بر روند تشدید بحران و انزوای قطر تأثیرگذار بود. فضای رسانه‌ای که قطر علیه این رژیم در سال‌های قبل از بحران فراهم کرده بود موجب شد تا اسرائیل در اولین گام، حملات رسانه‌ای خود علیه قطر را آغاز کند. وزیر دفاع سابق این رژیم آویگدور لیبرمن^۳ این وضعیت را به‌عنوان فرصتی مناسب برای رقبا توصیف کرد و شبکه ماهواره‌ای «الجزیره» را با عنوان پروپاگاندا محض^۴ معرفی کرد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم نیز خواستار تعطیلی دفاتر الجزیره در سرزمین‌های اشغالی شد (The Times of Israel, 2017: site). سایت خبری و روزنامه «هاآرتص» نیز با سرمقاله‌های خود اقدام به هجمه رسانه‌ای علیه قطر و شبکه خبری «الجزیره» کرد. «هاآرتص»، شبکه ماهواره‌ای الجزیره را طرفدار فلسطین و روابط با تهران تلقی کرد. مطابق با گزارش «هاآرتص» تأثیر تحریک آمیز پوشش‌های شبکه خبری الجزیره در جبهه فلسطین

1. Saudi Gazette
2. Le Défi Media Group
3. Avigdor Lieberman
4. pure propaganda

و روابط قطر با ایران، خشم اسرائیل را برانگیخته است و اورشلیم با استفاده از این بحران می‌تواند تهدید تهران، الجزیره و اخوان المسلمین را خنثی کند. (Harel, 2017: site)

در نتیجه، این هجمه رسانه‌ای موجب تأثیر بر افکار عمومی منطقه و به‌خصوص رقبای قطر شده و شرایط سختی را برای تشدید اختلافات میان قطر و عربستان به‌عنوان محور کشورهای عربی ایجاد کرد. رسانه‌های قطری نیز در این وضعیت تنش‌آلود ساکت نماندند و اقدامات کشورهای عربی علیه قطر را در راستای تضعیف آرمان فلسطین و توطئه رژیم صهیونیستی معرفی می‌کردند. شبکه ماهواره‌ای الجزیره که در این زمان به‌عنوان پایگاه رسانه‌ای رسمی قطر برای دفع حملات رسانه‌ای طرف مقابل عمل می‌کرد این بحران دیپلماتیک را فرصتی برای رژیم صهیونیستی تلقی کرده که این رژیم با استفاده از آن علاوه بر تضعیف آرمان فلسطین، به دنبال ضربه زدن به جنبش مقاومت اسلامی (حماس) به‌صورت دیپلماتیک، ترویج پذیرش اسرائیل در جهان عرب و حذف تلقی دشمن از آن و عادی‌سازی روابط با ایشان به بهانه مبارزه با تروریسم گام برمی‌دارد (وتد، ۲۰۱۷: سایت).

کمک‌های ارسالی ایران و ترکیه به قطر در این برهه نیز از نگاه رسانه‌های مختلف پوشیده نماند و این رسانه‌ها به‌صورتی اغراق‌آمیز تلاش کردند تا اقدامات ایران و ترکیه را در راستای تشدید بحران و فشار حداکثری بر قطر جلوه دهند. (Sahbaz, 2018: site)

رسانه‌هایی مانند العربیه اقدام به نشر اخباری مبنی بر رابطه ایران و ترکیه با قطر و شکل‌گیری یک محور امنیتی در مقابل عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس کرده و زمانی که ایران اقدام به حمایت از قطر در جریان محاصره کرد حملات رسانه‌ای علیه ایران و قطر تشدید شد. سایت خبری «العربیه» طی سلسله مقالاتی، رابطه ایران و قطر را فراتر از یک رابطه سیاسی جلوه داده و این‌گونه بازنمایی کرد که قطر در تلاش است تا پس از رفع محاصره، ایران را در تحریم‌های وضع‌شده توسط غرب یاری کند. «العربیه» گزارش کرد که ایران با استفاده از محاصره قطر خواهان گسترش هرج و مرج و گسترش بی‌ثباتی در منطقه است. (al-Dosary, 2017: site) همچنین در جریان حمایت ایران و ترکیه از قطر رسانه‌های وابسته به کشورهای عربی این اقدام ایران و ترکیه را در راستای

پیش‌بردن اهداف سیاسی-اقتصادی ترکیه و ایران تلقی کرده و این اقدامات راه، جاه‌طلبی‌های ایران و ترکیه در منطقه برای مقابله با عربستان و کشورهای عربی خلیج فارس معرفی کردند (Alarabiya, 2018: site). در نتیجه، با گذشت زمان روند تقابل و تعارض رسانه‌ای میان دو طرف تشدید و این تقابل ذهنی بر تقابل عینی و میدانی دو طرف نیز تأثیر گذاشت.

۳. نقش رسانه در کاهش روند تنش و آغاز مصالحه میان طرف‌ها

بحران دیپلماتیک خلیج فارس که نتیجه آن تحریم و محاصره قطر بود حدود چهار سال به طول انجامید؛ لیکن ابزار رسانه در این برهه، در زمینه‌سازی برای پایان دادن به حصر سیاسی-اقتصادی قطر نیز تأثیرگذار بود. البته این تأثیر به معنای نقش مستقل رسانه در آرام کردن فضای این اختلاف نیست؛ بلکه می‌توان رسانه را به‌عنوان متغیری مهم در این بحران چهارساله ارزیابی کرد. به‌عبارتی‌دیگر، این رسانه‌ها در ماه‌های منتهی به فروکش شدن بحران قطر، اذهان و افکار عمومی طرف‌های درگیر و دیگر کشورهای جهان را برای برقراری مجدد روابط میان قطر و کشورهای عربی آماده کردند.

در ماه‌های آخر بحران سایت خبری «فایننشال تایمز» در مقاله‌ای نوشت: «پادشاهی سعودی در حال پایان دادن به محاصره سال ۲۰۱۷ میلادی علیه دولت قطر پس از پیروزی جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا است.» «فایننشال تایمز» به‌عنوان یک شبکه خبری مهم در حوزه سیاسی به نقل از کارگزاران سیاسی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تغییر در سیاست پادشاهی عربستان در قبال قطر را «هدیه‌ای برای بایدن» خوانده و این موضوع را نشان‌دهنده تمایل محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان برای گام برداشتن به سوی حل اختلافات با قطر دانست (Financial Times, 2020: site). رسانه‌های وابسته به جمهوری خواهان آمریکا نیز این‌طور وانمود کردند که دولت ترامپ در پایان عمر خود، از عربستان سعودی می‌خواهد تا مرزهای هوایی خود را برای پروازهای قطر باز کند؛ زیرا تحریم خطوط هوایی قطر موجب شده بود تا قطر فقط بتواند از طریق آسمان ایران برای ارتباط با دنیا استفاده کند و این موضوع موجب شده بود تا میلیون‌ها دلار در اختیار ایران-

ترامپ قصد فشار حداکثری به ایران را داشت - قرار گیرد. (Jakes, 2020: site) در نتیجه هر دو طیف سیاسی آمریکا، هر یک بر اساس دلایل مختلفی با تلطیف فضا به وسیله ابزار رسانه در راستای رفع محاصره قطر گام برمی‌داشتند. دولت ترامپ که در ماه‌های پایانی عمر خود به سر می‌برد، از سوی بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی محکوم می‌شد که در وقایع دوره بحران در منطقه، از جمله تلفات در جنگ یمن، بازداشت فعالان سیاسی، قتل جمال خاشقچی و ... از دولت ریاض حمایت کرده و با تغییر دولت در آمریکا، زمینه برای بازگشت صلح و ثبات میان کشورهای عربی خلیج فارس فراهم می‌آید. یوسف العتیبی، سفیر امارات در آمریکا نیز اظهار داشت که در دوره ترامپ، اختلافات با کشور محاصره شده (قطر) استمرار داشته و پایان دادن به این اختلافات برای آمریکا و کشورهای منطقه در اولویت نبوده است (Financial Times, 2020: site). در نتیجه در این برهه که بایدن پیروز انتخابات ایالات متحده شده بود؛ سایت‌های خبری آمریکایی طرفدار او، مطالب و نتایج گفتگوهای راهبردی قطر و ایالات متحده را تبیین می‌کردند و مدعی بودند که این مذاکرات، نشان‌دهنده از سرگیری روابط دو کشور و تمایلشان برای آغاز مجدد همکاری‌های دوجانبه در تمامی زمینه‌ها به‌ویژه در خصوص حل و فصل مشکلات فعلی است. «نیویورک تایمز» نیز این‌طور القا کرد که حل بحران خلیج فارس در فهرست اولویت‌های دولت آمریکا است (علی، ۲۰۲۰: سایت). از سوی دیگر، در این برهه که ایالات متحده خواستار فشار حداکثری بر ایران بوده، تلاش برای حل و فصل اختلافات میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز در همین راستا ارزیابی می‌کرده است. با همین رویکرد بود که رسانه‌های آمریکایی به‌منظور آماده کردن افکار عمومی مردم خود و جهان، به تبیین پیامدهای استمرار بحران و نیز آثار مثبت حل و فصل آن می‌پرداختند.

در طرف دیگر رسانه‌ها و روزنامه‌های عربی نیز در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۰ میلادی در مسیر آماده‌سازی افکار عمومی مردم کشورهای عربی حرکت می‌کردند. با وجود این، بعضی از رسانه‌های عربی، مصالحه احتمالی میان قطر و عربستان را صرفاً در جهت خواست آمریکا در منطقه تلقی کرده و اظهار داشتند که مصالحه‌ای ظاهری خواهد بود و صرفاً با

حمایت آمریکا میسر خواهد شد (الحره، ۲۰۲۰: سایت). رسانه‌های قطری نیز در این زمان با ورود چارلز کوشنر، مشاور ریاست‌جمهوری آمریکا به قطر، از موضوع حل اختلاف میان عربستان سعودی و قطر خبر داده و بازسازی اعتماد میان این دو کشور را مهم‌ترین موضوع در جریان مذاکره کوشنر و امیر قطر عنوان کردند. در جریان اخبار، این موضوع القا می‌شد که دولت آمریکا در ماه‌های پایانی خود درصدد رفع اختلاف میان دو متحد سابق و برطرف کردن فشار حداکثری بر قطر است (الجزیره نت، ۲۰۲۰: سایت).

دیگر شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و وبسایت‌های عربی نیز فرصت‌ها و پیامدهای حل اختلافات دیپلماتیک خلیج فارس را مورد بحث قرار می‌دادند، به‌خصوص پس از آن که احمد ناصر الصباح، وزیر امور خارجه کویت در روزهای ابتدای ماه دسامبر ۲۰۲۰ میلادی از نزدیک شدن راه حل بحران خلیج فارس خبر داد. ناصر الصباح در بیانیه چهارم دسامبر خود اعلام کرده بود که «بحث‌های مثمرتری در طول اجلاس گذشته (نشست سران شورا) انجام شده که در آن همه طرف‌ها علاقه خود را در مورد همبستگی و ثبات در خلیج فارس و رسیدن به توافق نهایی نشان داده‌اند (بی‌بی‌سی عربی، ۲۰۲۰: سایت). به‌خصوص در این روند وبسایت‌های خبری کویتی در مورد خاتمه بخشیدن به اختلافات خلیج فارس اظهار خوش‌بینی می‌کردند. خالد الطراح یکی از سرمقاله‌نویسان معروف سایت خبری القبس کویت در سرمقاله‌ای تحت عنوان «ما همه برنده خلیج فارس هستیم» گفت: «امید به بازگشت وحدت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در جمعه چهارم دسامبر به واقعیت تبدیل شد» (الطراح، ۲۰۲۰: سایت).

با توجه به روند تلطیف فضای مصالحه میان قطر و دیگر کشورهای عربی، آنچه مهم به نظر می‌آید این است که در این فضا، نقش رسانه‌های آمریکایی و کویتی به‌عنوان دو کشوری که خواهان واسطه‌گری در رفع محاصره قطر و پایان بحران دیپلماتیک میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بودند، بسیار چشم‌گیرتر از نقش دیگر رسانه‌های عربی و بین‌المللی بوده است. در واقع رسانه‌های کویتی و آمریکایی در این روند به‌عنوان بازوان دولت‌های خود عمل کرده و فضا را برای شکل‌گیری یک گفتگو میان قطر و دیگر

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آمده کردند؛ اما در کنار رسانه‌های یادشده، رسانه‌های محورهای متقابل هم در بحران نیز در جهت کاهش تنش و تلطیف فضای اذهان عمومی جامعه خود، جهان و منطقه گام برداشتند. در واقع در دو طرف ماجرا نیز نیاز به گفتگو و تلطیف فضا میان طرفین توسط رسانه‌ها میسر شد؛ به طوری که بسیاری از رسانه‌ها در جهت این امر اقدام به نشر اخباری مبنی بر بازگشت قطر به آغوش برادران عرب خود و همچنین کنار گذاشتن حرکت‌هایی مبنی بر حمایت از تروریسم در منطقه کردند (سکای نیوز عربیه، ۲۰۲۰: سایت).

در اوایل ژانویه ۲۰۲۱ میلادی نیز رسانه‌های دو طرف از احتمال حضور قطر در نشست شورای همکاری خلیج فارس که قرار بود در «الغالی» عربستان برگزار شود خبر دادند. در این زمان همراه با آغاز سال میلادی جدید، شبکه خبری «الجزیره» برای اولین بار در تاریخ چهارم ژانویه ۲۰۲۱ میلادی اعلام کرد که کویت به عنوان همسایه عربستان سعودی و قطر و یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، به همراه ایالات متحده آمریکا به طور مشترک، واسطه حل بحران شده‌اند. بر اساس این طرح، عربستان باید به محاصره همسایه خود پایان داده و مرزهای خود را دوباره باز کند (Al Jazeera, 2021: site). یک روز قبل از انتشار این طرح نیز شبکه خبری «فرانس ۲۴»^۱ خبر از نزدیک بودن حل اختلاف و تنش‌زدایی میان عربستان سعودی و قطر داد. به گزارش این شبکه ماهواره‌ای وابسته به دولت فرانسه ریاض در این برهه در حال تهیه طرحی به منظور تنش‌زدایی با قطر در نزدیک‌ترین نشست شورای همکاری خلیج فارس بود (France 24, site: 2021). در نتیجه با افزایش احتمال ازسرگیری رابطه میان قطر و عربستان سعودی و انعکاس اخبار و شایعه‌های متعدد در این رابطه از سوی رسانه‌های مختلف در جهان، در اولین نشست سالانه شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۱، از امیر قطر برای شرکت در این نشست دعوت شد و در نهایت با حضور امیر قطر در این نشست، زمینه برای ازسرگیری رابطه میان قطر و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس فراهم آمد. از این رو می‌توان اذعان کرد رسانه‌ها در این عرصه توانستند به عنوان یک محرک مهم

1. France 24

فضای آرامی را برای کاهش تنش و آغاز مصالحه میان قطر و عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش شد تا نقش رسانه‌های نوین بر بحران دیپلماتیک و محاصره قطر واکاوی شود. می‌توان اذعان کرد که در عصر انقلاب ارتباطات و جهانی‌شدن، رسانه به‌عنوان یک متغیر مهم در رویدادهای مختلف در نظر گرفته می‌شود. رویدادهای سیاسی منطقه غرب آسیا نیز از این متغیر مهم تأثیر می‌پذیرند. بحران دیپلماتیکی که در سال ۲۰۱۷ در منطقه خلیج فارس اتفاق افتاد و منجر به قطع روابط عربستان سعودی و به تبع آن دیگر کشورهای عربی با قطر و محاصره چهارساله این کشور شد نیز متأثر از فضاسازی‌های رسانه‌ای و حملات سایبری و ... بوده است. البته در نوشتار حاضر رسانه به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته نشده، زیرا روند تقابل میان قطر و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی از ریشه‌های ژئوپلیتیکی و ساختاری عمیق‌تری برخوردار بوده است. به‌طور خاص تقابل میان قطر و عربستان روندی طولانی و تدریجی را طی کرده است. به‌خصوص بعد از اینکه قطر از دهه ۱۹۹۰ میلادی اقدام به تغییر مسیر سیاست خارجی خود و فاصله گرفتن از عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی کرد. در نتیجه در بحران دیپلماتیک قطر در سال ۲۰۱۷ میلادی رسانه نمی‌توانسته است به‌عنوان یک مؤلفه مستقل به‌صورت مستقیم بر بحران تأثیر بگذارد. به عبارتی بهتر، نقش رسانه در این بحران را نمی‌توان خارج از تأثیر دیگر متغیرهای مستقل بر بحران در نظر گرفت.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان اذعان کرد که در بحران یادشده، رسانه‌های نوین به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر بر مراحل مختلف بحران تأثیرگذار بوده‌اند. بدین معنا که رسانه‌ها در جریان آغاز بحران به‌عنوان یک محرک عمل کرده و با شرایط ملتهد گونه‌ای که در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کردند، زمینه را برای کلید خوردن این بحران فراهم آوردند. در طول بحران نیز رسانه‌های عربی و بین‌المللی وابسته به محور عربستان سعودی با ملتهد کردن شرایط، قطر را متهم به افراطی‌گری کرده و از این طریق

بر شدت محاصره قطر افزودند. این موضوع گواه از مهم بودن جایگاه رسانه در بحران‌های سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای است. در این شرایط، رسانه‌ها به‌عنوان یک ابزار برای طرف‌های مختلف در جهت پیشبرد اهداف خود عمل کرده است؛ زیرا با توجه به مراحل بحران مشاهده شد که در طول این فرایند، رسانه‌ها با توجه به منافع و اهداف سیاسی دولت‌ها در مراحل نظیر ایجاد تنش، شدت بحران و همچنین کاهش و فروکش بحران مؤثر بوده‌اند. این بدین معنا است که از فضای رسانه‌ای در رقابت‌ها و تعارضات مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان با عنوان یک میدان رزم یاد کرد که در آن رسانه در کنار سایر ابزارهای سیاست خارجی کشورهای درگیر در رقابت مانند، دیپلماسی، فناوری، تسلیحات نظامی و ... می‌تواند مسیر رقابت را به سمت مسئله‌سازی، بحران و حتی جنگ پیش ببرد یا در مقابل در صورت تمایل، طرف‌های بحران را به سمت حل شدن و کاهش تنش سوق دهد. در نتیجه با توجه به این نگاه کارکردی و ابزاری، نمی‌توان نقش مستقلی برای رسانه‌های نوین در تأثیرگذاری بر رویدادهای مختلف سیاسی و بحران‌های بین‌المللی در جهان امروز قائل بود. اگرچه پیشرفت و توسعه رسانه‌های نوین در جهان امروز و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و سطوح مختلف جوامع غیرقابل انکار است؛ لیکن به ادعای نویسندگان این پژوهش و با توجه به بررسی موردی بحران دیپلماتیک قطر، نمی‌توان ادعا کرد که رسانه خود می‌تواند علت اصلی پدیده‌های سیاسی از جمله بحران‌های مختلف یا حتی علت اصلی پایان منازعه و کاهش تنش باشد. بر این اساس، نویسندگان با رویکردی مبتنی بر نگاه کارکردی معتقدند که رسانه می‌تواند به‌عنوان ابزاری کنترل‌شده در دست دولت‌ها در راستای منافع سیاست خارجی ایشان مورد استفاده قرار گیرد و با ایجاد سازوکارهای مبتنی بر برجسته‌سازی اخبار و مؤلفه‌های مهم و تعیین‌کننده، در مواقع ضروری بر افکار عمومی و همچنین افکار نخبگان سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر گذاشته، رویدادهای مختلف سیاسی از جمله بحران‌های سیاسی را تحت‌الشعاع قرار دهد. به عبارتی دیگر، رسانه‌ها همسو با سیاست خارجی و از طریق ارزش‌گذاری، ارزش‌سازی، القاء پیام و برجسته‌سازی؛ نسبت به مشروعیت‌بخشی سیاست به

خارجی و رساندن پیام سیاسی کشورها به افکار عمومی، به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاست خارجی ایفای نقش می‌کنند. در نتیجه می‌توان رسانه را به‌عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار در رویدادهای سیاسی مختلف در منطقه و جهان شناسایی کرد و نقش آن را در تحولات مختلف سیاسی از جمله بحران‌های سیاسی بررسی و تبیین کرد.



منابع

الف. فارسی و عربی

- بابایی، محمود،؛ و فهیمی‌فر، سیده. (۱۳۹۱). ویژگی رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطاتی آن، فصلنامه مطالعات علمی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۴ (۴)، ۱۷۴-۱۹۳.
- برچر، مایکل. (۱۳۸۲). بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها، ترجمه: میرفریدین قریشی. تهران: مطالعه راهبردی.
- عالیشاهی، عبدالرضا، مسعودنیا، حسین؛ و فروزان، یونس. (۱۳۹۶). بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۷ (۲۴)، ۴۹-۷۲.
- عواد، دعامر. هاشم. (۲۰۲۱). المتغيرات الاقليمية و الدولية و اثرها فی ازمة العلاقات القطرية-السعودية ۲۰۱۷-۲۰۲۱. المتغيرات الاقليمية و الدولية، ۶۴، ۱۰۸-۱۳۳.
- محمود، محمد. صلاح. (۲۰۲۰). العزل فی السياسة الخارجية السعودية حیاال قطر. دراسات دولیه، ۸۱، ۲۲۷-۲۶۶.

ب. لاتین

- Ahmadi, Ismail. (2015). Role of Media on Crisis Management. *Journal of Exploratory Studies in Law and Management*, 2(3), 190-197.
- Albasoos, Hani. Hassan, Gubara, & Al Zadjali, Sara. (2021). The Qatar crisis: Challenges and opportunities. *International Journal of Research in Business & Social Scienc*, 10(1), 158-167.
- Baran, Stanely J; & Dennis K. Davis. (2012). *Mass Communication Theory: Foundations, Ferment and Future*. Boston: Wadsworth Cengage Learning (sixth ed).
- Brecher, Michel. (1979). State Behavior in International Crisis: A Model. *The Journal of Conflict Resolution*, 23(3), 446-480.
- Chak, Farhan. (2020). Deconstructing the Gulf Crisis: Post-Colonialism and Competing 'Projects' in the Middle East. *Insight Turkey*, 22(1), 163-188.
- Fischer, Beth. (1995). Reviewed Work: Crises in World Politics: Theory and Reality by Michael Brecher. *Political Psychology*, 16(2), 437-439.

- Galtung, Johan. (2002). Peace journalism – a challenge. In W. Kempf, & H. Luostarinen, *Journalism and the new world order: Studying war and the media* (pp. 259-272). Goteborg: Nordicom.
- Gazzar, Nagwa. (2015). The Use of Social Media Among Qatari Youth During Crises- A Survey. *The Scientific Journal of Public Relations & Advertising Research*, 4, 43-87.
- Ghassabi, Fateme., & Zare-Farashbandi, Firoozeh. (2015). The role of media in crisis management:. *International Journal of Health System and Disaster Management*, 3(2), 95-102.
- Gilboa, Eytan. (2009). Media and Conflict Resolution: A Framework for Analysis. *Marquette Law Review: International Media and Conflict Resolution*, 93, 87-110.
- Khatib, Lina. (2013). Qatar's foreign policy: the limits of pragmatism. *International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-)*, 89, 417-431.
- Lee, Jenna. 2017). *Qatar and the Muslim Brotherhood's Global Affiliates: New U.S. Administration Considers New Policies*. The Foundation for Defense of Democracies(FDD).
- Lynch, Marc. (2006). Al-Qaeda's Media Strategies. *The National Interest*, 83, 50-56.
- McCombs, Maxwell; & Reynolds, Amy. (2002). "News influence on our pictures of the world". *Media Effects: Advances in Theory and Research*.
- McCombs, Maxwell. (2005). "A look at agenda-setting: Past, present and future". *Journalism Studies*. 6 (4): 543-557, doi:10.1080/14616700500250438
- McNair, Brian. (2016). *Communication and Political Crisis: media, politics and governance in a globalised public sphere*. New York: Peter Lang: International Academic Publishers.
- Miles, Hugh. (2006). Al Jazeera. *Foreign Policy*, 155, 20-24.
- Mitchell, Jocelyn. (2019). #Blockade: Social Media and the Gulf Diplomatic Crisis. *Review of Middle East Studies*, 53(2), 1-21.
- Mukhongo, Lynete., & Macharia, Juliet. (2016). *Political Influence of the Media in Developing Countries*. Pennsylvania: IGI Global.
- Snider, James. (2006). How mass media use crisis communications for political gain: The Broadcast Industry, 9/11, and Hurricane Katrina. *Prepared for delivery at the Political Communications Section Pre-Conference*, 1-29.
- Wolfsfeld, Gadi. (1997). *Media and Political Conflict: News from the Middle East*. Cambridge: Cambridge University Press.

سایت

الف. عربی

-البيان. (۲۰۱۷). حی مواقع الجزيرة وصحف قطری. فی الإمارات والسعودی. والبحرین. تاریخ الدخول: یونیو ۲۰۲۱.

-الراجحی، إسلام. (۲۰۱۷). بالأسماء هؤلاء من یملتون وسائل إعلام سعودی. وإماراتی و مصری. الخلیج الجدید. تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://b2n.ir/x76288>

-الجزیره نت. (۲۰۲۰). أزمة الخلیج. كوشنر یغادر الدوحة ومساعدیه تركز علی حل الخلاف بین قطر والسعودیة. تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱ استعادة من: <https://b2n.ir/a46662>

-الحره. (۲۰۲۰). صحیفة: السعودیة وقطر تقتربان من إنهاء خلافهما برعاية أميركیة. تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://www.alhurra.com/arabic-and-international/2020/12/03>

-الشرق. (۲۰۱۸). دبلوماسیة قطر تنتصر و موریشیوش تعید علاقتهما مع الدوحة. تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://al-sharq.com/page-not-found.html>

-العربی جدید. (۲۰۱۷). حملة التحریض الإعلامیة ضد قطر: منذ بدايتها حتى الیوم. تاریخ الدخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://al-sharq.com/article/02/12/2018>

-الطراح، خالد. (۲۰۲۰). من الذاکرة کلنا رابحون خلیجیاً. القبس. تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <http://iwo.ir/g8i4a>

-بی بی سی عربی. (۲۰۲۰). المصالحة الخلیجیة: هل تتحقق به جهود کویتیه؟ تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://www.bbc.com/arabic/inthepress-55245088.amp>

-سکای نیوز عربیة. (۲۰۲۰). باحث أميرکی: مصالحة قطر یجب أن تشمل وقفها لتمویل الإرهاب. استعادة من: yun.ir/c7g713

-عبدالرحمن، أحمد. (۲۰۱۷). عشرة شروط سعودیة لعودة العلاقات مع قطر. جريدة الدستور، تاریخ دخول: یونیو ۲۰۲۱. استعادة من:

<https://web.archive.org/web/20170724184944/http://www.dostor.org/1425880>

-علی، عواطف (۲۰۲۰). الإعلام الأمريكي يبرز نتائج الحوار الإستراتيجي وقوة العلاقات بين قطر والولايات المتحدة. الشرق. تاريخ دخول: يونيو ۲۰۲۱. استعادة من: <https://alsharq.com/article/16/09/2020>
-وتد، محمد. محسن. (۲۰۱۷). حصار قطر يمهد لتصفية القضية الفلسطينية. الجزيرة. تاريخ دخول: <http://iwo.ir/ctulq> يونيو ۲۰۲۱. استعادة من:

ب. انگلیسی

- AlJazeera. (2017). Saudi Arabia, UAE, Egypt, Bahrain cut ties to Qatar. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/news/2017/6/5/saudi-arabia-uae-egypt-bahrain-cut-ties-to-qatar>
- AlJazeera. (2021). Saudi Arabia 'to open airspace, land and sea border' with Qatar. Retrieved from: <https://www.aljazeera.com/news/2021/1/4/saudi-arabia-qatar-agree-to-open-airspace-land-and-sea-border>
- Alarabiya. (2018). How Iran, Turkey use Qatar to undermine regional security and US interest. Retrieved from <https://english.alarabiya.net/News/gulf/2018/12/16/How-Iran-Turkey-use-Qatar-to-undermine-regional-security-and-US-interest>
- Al-Dosary, Salman. (2017). Dialogue with Iran through Qatar. *Alarabiya*, <https://english.alarabiya.net/views/news/middle-east/2017/08/18/Dialogue-with-Iran-through-Qatar>.
- Al-Thani, Hamad. (2014). *Qatar's Emir: We don't fund terrorists*. CNN. Retrieved from <https://edition.cnn.com/2014/09/25/world/meast/qatar-emir/index.html>
- Arab News. (2017). Only 27% of Americans see Qatar as 'US friend or ally': Arab News / YouGov poll. Retrieved from <https://www.arabnews.com/node/1140131/middle-east>
- BBC. (2017). Qatar row: Trump claims credit for isolation. Retrieved from <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-40175935>
- CNN Arabic. (2019). Qatar's foreign minister reveals to CNN the demands of Doha to resolve the Gulf crisis. Retrieved from <https://www.youtube.com/watch?v=tMgY0m4oPwg>.
- Financial Times. (2020). Saudi Arabia seeks to resolve Qatar crisis as 'gift' to Joe Biden. Retrieved from <https://www.ft.com/content/ae7e041f-ff4b-4df7-8b2b-06488e17a91c>
- Fox News. (2017). Hack, fake story expose real tensions between Qatar. Retrieved from <http://www.foxnews.com/world/2017/05/23/qatar-says-state-news-website-hacked-fake-article-published.html>

- France 24. (2021). Gulf crisis resolution in balance ahead of summit. - Retrieved from <https://www.france24.com/en/live-news/20210103-gulf-crisis-resolution-in-balance-ahead-of-summit>
- Harel, Ayan. (2017). Qatar Crisis Took U.S. by Surprise. Israel Is Concerned. *Haaretz*. Retrieved from <https://www.haaretz.com/middle-east-news/qatar-crisis-took-u-s-by-surprise-israel-is-concerned-1.5482165>
- International Crisis Group report (ICG). (2019). *Report Part Title: Qatar: Trying to Outmanoeuvre Saudi Arabia and the UAE. Report Title: Intra-Gulf Competition in Africa's Horn.*
- Jakes, Lara. (2020). U.S. Hopes a Small Step in Easing a Mideast Rivalry Could Further Rattle Iran's Economy. *New York Times*. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2020/12/02/world/middleeast/qatar-iran-saudi-arabia-kushner-overflights.html>
- Mindock, Clark. (2017). Donald Trump accuses Qatar of funding terrorism 'at very high level. *The Independent*. Retrieved from the original on 9 June 2017. Retrieved 10 June 2017, from <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/trump-qatar-terrorism-funding-saudi-arabia-gulf-accusation-very-high-level-a7782896.html>
- Sahbaz, Yusuf. (2018). First Ship Carrying Food Departs Turkey for Qatar, " Peninsula Qatar. Retrieved from <https://www.thepeninsulaqatar.com/article/22/06/2017/First-ship-carrying-food-departs-Turkey-for-Qatar>
- Saudi Gazette. (2017). Why 8 nations severed ties with Qatar. Retrieved from <https://saudigazette.com.sa/article/179949>
- Shahid, Akbar. (2017). Someone Is Using These Leaked Emails To Embarrass Washington's Most Powerful Ambassador. *HuffPost*. Retrieved from https://www.huffpost.com/entry/otaiba-ambassador-uae-leaked-emails_n_5932bf04e4b02478cb9bec1c
- The Times of Israel. (2017). Netanyahu demands al-Jazeera offices in Israel be shut down. Retrieved from the original on 27 July 2017. Retrieved 30 July 2017, from <http://www.timesofisrael.com/netanyahu-demands-al-jazeera-offices-in-israel-be-shut-down/>
- Trump, Donald J. [@realDonaldTrump]. (6 June 2017). "During my recent trip to the Middle East I stated that there can no longer be funding of Radical Ideology. Leaders pointed to Qatar – look!"(Tweet). Retrieved from the original on 6 June 2017. Retrieved 7 June 2017
- Trump, Donald J. [@realDonaldTrump]. (6 June 2017). "So good to see the Saudi Arabia visit with the King and 50 countries already paying off. They said they would take a hard line on funding..." (Tweet). Retrieved from the original on 6 June 2017. Retrieved 7 June 2017



استناد به این مقاله: حاج زرگرباشی، سید روح‌الله، لطفی، میلاد. (۱۴۰۰). رسانه‌های نوین و برجسته‌سازی در بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛ مطالعه موردی بحران دیپلماتیک قطر (۲۰۱۷-۲۰۲۰)، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۷(۲۸)، ۱۹۵-۲۳۰.

DOI: 10.22054/NMS.2022.65334.1331



New Media Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..